

پادشاهی و عهد در عهد جدید

درس
اول

چرا الاهیات عهد جدید را
مطالعه کنیم؟



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

The Farsi translation of “Kingdom and Covenant in the New Testament: Lesson One: Why Study New Testament Theology?”

© 2021 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.**

In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries.

Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پادشاهی و عهد در عهد جدید (درس شماره ۱: چرا الاهیات عهد جدید را مطالعه کنیم؟)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) الهام و اقتدار

تاییدات

دوازده شاگرد

رسولان و انبیا

کتاب‌های عهد جدید

توضیحات

الهام

اقتدار

(۳) پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌ها

ملاحظات دوره‌ای

پیوستگی‌ها

ناپیوستگی‌ها

ملاحظات فرهنگی

پیوستگی‌ها

ناپیوستگی‌ها

ملاحظات شخصی

پیوستگی‌ها

ناپیوستگی‌ها

(۴) نتیجه‌گیری

چرا الاهیات عهد جدید را مطالعه کنیم؟

مقدمه

اگر تا به حال یک اثر هنری، متن ادبی، نمایشنامه یا فیلمنامه‌ای را به طور جدی مطالعه کرده باشید، می‌دانید که تفاوت بزرگی بین لذت معمولی از آن و تجزیه و تحلیل دقیقش وجود دارد. تحلیل دقیق می‌تواند کاری باشد که تمام توان و ذهن شما را معطوف خودش کند، و بسیار با کاری که صرفاً در زمان دلخواه و به شکل دلخواه انجام می‌دهیم متفاوت است. اما در نهایت، من و شما می‌دانیم که چیزی نمی‌تواند جایگزین دانش گرانبهایی شود که از مطالعه و تحلیل باریک‌بینانه یک موضوع یا اثر به دست می‌آید.

از بسیاری جهات، این همان تجربه‌ای است که معمولاً پیروان مسیح درباره عهد جدید دارند. ما لذت خواندن بخش‌های مختلف کلام خدا در زمان‌های مختلف را می‌دانیم. اما بینشی که از یک مطالعه دقیق عهد جدید و الاهیات آن پیدا می‌کنیم، واقعا می‌تواند منبع یک دستاورد عظیم باشد.

این اولین درس از مجموعه دروس «پادشاهی و عهد در عهد جدید» است. در این درس از یک تعریف بسیار سنتی از الاهیات پیروی می‌کنیم، و از الاهیات عهد جدید به عنوان هرآنچه که درباره خدا و دیگر موضوعات مربوط به او تعلیم می‌دهد، سخن می‌گوییم. عنوان این اولین درس، «چرا الاهیات عهد جدید را مطالعه کنیم؟» است و در این درس می‌خواهیم ببینیم چرا اهمیت دارد که فرای یک آشنایی معمولی با عهد جدید پیش رفته و خود را به یک مطالعه دقیق و عمیق از الاهیات عهد جدید بسپاریم.

در دوم تیموتائوس ۲: ۱۵، پولس رسول به این حقیقت اشاره کرد که درک الاهیات عهد جدید غالباً مستلزم سخت‌کوشی است. بشنوید که پولس به تیموتائوس چه گفت:

منتهای کوشش خود را بکن تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را به درستی تعلیم می‌دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵، ترجمه شریف).

البته، بسیاری از ابعاد الاهیات عهد جدید کاملاً ساده هستند. اما پولس روشن کرد که درک کلام خدا همیشه آسان نیست. تیموتائوس می‌بایست مانند کارگری می‌بود که «پیام حقیقت را به درستی تعلیم می‌دهد.» اصطلاح یونانی که در اینجا «کارگر» ترجمه شده، ارگاتس (ergates) است که معمولاً به کارگران یدی اشاره داشت. تشبیه پولس نشان داد که درک الاهیات عهد جدید غالباً مستلزم سخت‌کوشی است. اما اگر مطالعه الاهیات عهد جدید بسیار دشوار است، چرا ما باید انجامش بدهیم؟

خیلی جالب است که پولس در نامه‌اش به تیموتائوس، در چند کلمه می‌گوید که کتاب مقدس توسط روح خدا بخشیده شد - یعنی الهام خداست - اما بعد فقط چند جمله بعدتر، پولس به تیموتائوس می‌گوید که مطالعه کن، سخت بکوش تا خودت را به عنوان فرد مورد پسند خدا نشان بدهی که کلام خدا را مطالعه می‌کند و به درستی تعلیم می‌دهد. کتاب مقدس واقعا بازتاب‌دهنده یک رابطه عهدی با خداست، پیش‌قدمی پرمهر خدا برای برقراری ارتباط با ما، اما همچنین مسئولیت ما، پاسخ ما به کلام او. و چون او کلام خود را در زبانی به ما بخشیده که می‌توانیم آن را بفهمیم - او خودش را آماده کرد تا از طریق نویسندگان انسانی و با استفاده از انواع ادبی و زبان و روشی که برای مردم و اماکن آن زمان آشنا بود، سخن بگوید - لازم است که ما برای یادگیری آن زبان سخت کار کنیم، برای یادگیری اینکه آن انواع ادبی چطور کار می‌کنند، برای درک اینکه چطور روایات تاریخی متفاوت از شعر یا مکاتبات شخصی عمل می‌کنند؛ چون این انواع مختلف در کلام خدا استفاده شده‌اند. و از نظر مطالعه زمینه‌ای کتاب مقدس، درک اینکه نویسندگان عهد جدید چطور از عهد عتیق به روش‌های مختلف از عهد عتیق به شکلی که در آن زمان معمول بود استفاده کردند؛ یعنی از این نظر که چطور متون پیشین در موقعیتی خاص استفاده شدند. بنابراین، پولس به تیموتائوس می‌گوید که هم کتاب مقدس الهام خدا از روح القدس است، و هم اینکه تیموتائوس - ما هم مثل او - باید سخت کار و مطالعه کند تا مقبولیت خودش را نشان بدهد و پیام حقیقت را به درستی تعلیم بدهد.

- دکتر گرگ پری

اینکه چرا باید الاهیات عهد جدید را مطالعه کنیم، را از دو طریق بررسی خواهیم کرد. نخست، به بررسی اهمیت درک الهام و اقتدار عهد جدید می‌پردازیم. و دوم، به چالش پرداختن به پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌های بین زمان عهد جدید و زمان خودمان توجه خواهیم کرد. بیایید به هر دوی این موارد نگاهی نزدیک‌تر داشته باشیم و با الهام و اقتدار عهد جدید شروع کنیم.

الهام و اقتدار

برای بررسی الهام و اقتدار عهد جدید، بر تائیدات کتاب مقدس مبنی بر اینکه عهد جدید هم الهام شده و هم اقتدارمند است، تمرکز می‌کنیم. و بعد، چند توضیح برای منظورمان از «الهام» و «اقتدار» ارائه خواهیم داد. بیایید با تائیدات کتاب مقدسی در مورد این باورهای مهم مسیحی شروع کنیم.

تائیدات

وقتی پیروان مسیح درباره الهام و اعتبار عهد جدید تفکر می‌کنند، معمولاً همیشه به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ رجوع می‌کنند که پولس رسول نوشت:

تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶).

در اینجا می‌بینیم که وقتی پولس گفت «تمامی کتب از الهام خداست» یا آنطور که واژه یونانی «تئوپینستوس» ممکن است ترجمه شود، «بازدم خدا»، به موضوع الهام کتاب مقدس اشاره کرد. او همچنین وقتی گفت که «به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است»، به موضوع اقتدار کلام خدا اشاره کرد. این متنی مهم برای درک باور پیروان مسیح درباره عهد جدید است. اما حالا به دوم تیموتائوس ۳: ۱۵ گوش کنید که پولس به تیموتائوس گفت:

از طفولیت کتب مقدسه را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجات به وسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵).

به عبارت دقیق، «کتب مقدسه» که پولس اینجا در ذهن داشت، و تیموتائوس «از طفولیت» آنها را می‌دانست، عهد جدید نبود؛ بلکه عهد عتیق. پس، چرا وقتی پیروان مسیح به الهام و اقتدار عهد جدید اشاره می‌کنند، به سخنان پولس درباره عهد عتیق متمسک می‌شوند؟

به سه تایید کتاب مقدسی نگاه خواهیم کرد که به ما کمک می‌کنند تا درک کنیم عهد جدید الهام شده و اقتدارمند است. نخست، به کنکاشی در فراخوان دوازده شاگرد از طرف عیسی خواهیم پرداخت. دوم، به نقش بنیادین رسولان و انبیا توجه خواهیم کرد. و سوم، الهام و اقتدار خود کتاب‌های عهد جدید را تایید خواهیم کرد. بیایید ابتدا ببینیم که فراخوان دوازده شاگرد توسط عیسی، چگونه الهام و اقتدار عهد جدید را تایید می‌کند.

دوازده شاگرد

وقتی عیسی شروع به سازماندهی بقیتی وفادار از قوم خدا کرد تا اهداف خدا در اسرائیل را محقق کند، گروه ویژه‌ای از دوازده شاگرد را فرا خواند. اناجیل روشن می‌کنند که عیسی این دوازده نفر را از میان دیگر افرادی

که او را پیروی می‌کردند، جدا کرد. و این تمایز، آنان را – به غیر از یهودا – همانانی ساخت که عیسی بعداً به عنوان رسولان مقتدر خود به دنیا فرستاد.

در یوحنا ۱۶: ۱۳، این سخنان را از عیسی خطاب به دوازده شاگردش می‌شنویم:

چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد (یوحنا ۱۶: ۱۳).

این بخش نشان می‌دهد که امور زیادی وجود داشتند که شاگردان عیسی می‌بایست می‌آموختند. بنابراین، «روح راستی» می‌آمد و دربارهٔ «امور آینده» آنها را به «جمیع راستی» هدایت می‌کرد. در اینجا می‌بینیم که عیسی شاگردان برگزیده‌اش را مقدر کرد تا از طریق روح‌القدس به دیگر پیروانش تعلیم بدهند. این متن و متون مشابه، باور ما به الهامی بودن کتاب‌مقدس را تصدیق می‌کنند.

حال، پولس رسول که بخش عمده‌ای از عهد جدید را نوشت، یکی از آن دوازده شاگرد اصلی نبود. اما کتاب‌مقدس به روشنی نشان می‌دهد که پولس رسولی معتبر بود و شرایطی یکسان با آن دوازده که در اعمال ۱: ۲۱-۲۲ مقرر شده بود نیز داشت. این یکی از دلایلی است که لوقا برخورد پولس با مسیح در جادهٔ دمشق را سه بار گزارش می‌کند: اول در اعمال ۹: ۱-۱۹، بعد در ۲۲: ۶-۱۱، و یک بار دیگر در ۲۶: ۹-۱۸. و غلاطیان ۱: ۱۱-۲: ۱۰ نقل می‌کند که پولس سه سال را با مسیح در صحرای عربستان به سر برد. همین متن همچنین گزارش می‌دهد که رسولان در اورشلیم، اعتبار رسولانی پولس را تایید کردند. آنطور که پولس در اول قرتیان ۱۵: ۸-۹ می‌نویسد، پس از آنکه مسیح به بیش از ۵۰۰ ایماندار ظاهر شد:

[عیسی] آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید. زیرا من کهنترین رسولان هستم و لایق نیستم که به رسول خوانده شوم، چونکه بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم (اول قرتیان ۱۵: ۸-۹).

پولس به عنوان یک رسول، خودش را «طفل سقط شده» و «کهنترین رسولان» خواند. او تنها رسول معتبری بود که در طول خدمت زمینی عیسی همراه وی نبود. اما پولس شاهد عیسی قیام کرده بود و از طرف رسولان اصلی در اورشلیم، به این عنوان تایید شد.

با در نظر داشتن تاییدات مربوط به فراخوانی دوازده شاگرد از طرف عیسی، باید به الهام و اقتدار بنیادین رسولان و انبیای مسیح در قرن اول نیز اشاره کنیم.

رسولان و انبیا

بشنوید که چطور پولس در افسسیان ۳: ۴-۵ به این حقیقت اشاره کرد که نه تنها او بلکه تمام رسولان و انبیای مسیح، دریافت‌کنندگان مکاشفه خاص خدا بودند:

می‌توانید ادراک مرا در سرّ مسیح بفهمید... که الحال بر رسولان مقدس و انبیای او به روح مکشوف گشته است (افسسیان ۳: ۴-۵).

در اینجا پولس به تعالیم متمایز مسیحی اشاره کرد که پنهان یا مثل «سر»، نگه داشته شده بودند، تا وقتی که «بر رسولان و انبیا به روح مکشوف» شد. بنابراین جای تعجب نیست که بعداً در افسسیان ۲: ۲۰-۲۱، پولس همچنین به رسولان و انبیای قرن اول به این شکل اشاره کرد:

بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید که خود عیسای مسیح سنگ زاویه است. که در وی تمامی عمارت با هم مرتب شده، به هیكل مقدس در خداوند نمو می‌کند (افسسیان ۲: ۲۰-۲۱).

همانطور که این متن به ما می‌گوید، خدا کلیسا را به عنوان یک «هیكل مقدس» بنا کرد و عیسای مسیح «سنگ زاویه» آن است. اما به این هم دقت کنید که پولس «رسولان و انبیا» را به عنوان بخشی از «بنیاد» کلیسا معرفی می‌کند. این نشان می‌دهد که خدا کلیسا را بر بنیاد تعالیم مقتدر رسولان و انبیا بنا کرد. و در آیه پیشین دیدیم که تعالیم رسولان و انبیا اقتدار داشت زیرا توسط روح‌القدس الهام شده بود. علاوه بر تاییدات کتاب مقدسی مربوط به فراخوانی دوازده شاگرد از طرف عیسی و اقتدار بنیادین رسولان و انبیای مسیح، باید همچنین به این نکته دقت کنیم که خود رسولان، کتاب‌های عهد جدید را با متون مقدس عهد عتیق برابر می‌دانستند. این دیدگاه در قسمت‌های بسیاری از عهد جدید به چشم می‌خورد، اما ما تنها به دو مثال نگاه خواهیم کرد.

کتاب‌های عهد جدید

برای شروع، پولس در اول تیموتائوس ۵: ۱۸ نوشت:

زیرا کتاب می‌گوید: «گاو را وقتی که خرمن را خرد می‌کند، دهن میند» و «مزدور مستحق اجرت خود است» (اول تیموتائوس ۵: ۱۸).

این آیه شاید در ابتدا به نظرمان عجیب برسد، اما در بحث ما اهمیت دارد چون پولس با این نکته شروع می‌کند که «زیرا کتاب می‌گوید»، و بعد از دو متن مختلف نقل قول می‌کند. نقل قول اول که می‌گوید، «گاو را وقتی که خرمن را خرد می‌کند، دهن مبنده»، ارجاعی است به تثنیه ۲۵: ۴ در عهد عتیق. اما نقل قول دوم، «مزدور مستحق اجرت خود است»، از لوقا ۱۰: ۷ در عهد جدید است. این ارتباط بین اقتدار عهد عتیق و عهد جدید نشان می‌دهد که پولس رسول نوشتجات رسولان و انبیای مسیح را با متون مقدس عهد عتیق برابر می‌شمرد.

مورد مشابهی را در دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶ می‌بینیم که پطرس رسول بیان کرد:

پولس... با استفاده از حکمتی که خدا به او عنایت کرد... در تمام نامه‌های خود درباره این چیزها می‌نویسد. در این نامه‌ها گاهی مطالب دشواری هست که مردمان جاهل و ناپایدار از آنها تفسیر غلط می‌کنند، همان طور که با قسمت‌های دیگر کتاب مقدس هم رفتار می‌کنند و از این راه هلاکت را نصیب خود می‌سازند (دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶، ترجمه شریف).

در این متن، پطرس تصدیق کرد که پولس «با استفاده از حکمتی که خدا به او عنایت کرد» نوشت. به عبارت دیگر، کتاب‌های پولس دارای اقتدار خود خدا بودند. اما دقت کنید که چطور پطرس اشاره کرد که مخالفان ایمان مسیحی از نوشته‌های پولس «تفسیر غلط» انجام دادند، درست «همانطور که با قسمت‌های دیگر کتاب مقدس هم رفتار می‌کنند.» در متن بزرگتر رساله پطرس، «قسمت‌های دیگر کتاب مقدس»، متون مقدس عهد عتیق هستند. بنابراین، در اینجا می‌بینیم که پطرس نوشتجات عهد جدید را دارای الهام و اقتدار یکسان با عهد عتیق می‌دانست. کتاب مقدس، عهد جدید را به عنوان کلام الهام شده و مقتدر خدا برای کلیسای او تصدیق می‌کند. عیسی شخصا وعده داد که روح القدس، رسولان او را تعلیم دهد؛ و رسولان و انبیای خود را به عنوان مقامات بنیادین کلیسایش مقرر کرد. به علاوه، درست همانطور که قوم خدا متون عهد عتیق را به عنوان کلام الهام شده و مقتدر خدا پذیرفتند، کلیسا نیز خوانده شده بود تا نوشتجات رسولان و انبیای مسیح را به عنوان کلام الهام شده و مقتدر بپذیرد.

حال که دیدیم چطور ایمان ما به الهام و اقتدار عهد جدید با تاییدات بسیاری در کتاب مقدس پشتیبانی می‌شود، باید توضیحاتی درباره منظورمان از این اصطلاحات ارائه کنیم.

توضیحات

معمولا مسیحیان وقتی به عهد جدید می‌رسند، دچار درکی اشتباه از «الهام» و «اقتدار» می‌شوند. بنابراین، به همان اندازه که مهم است درستی این مفاهیم را تأیید کنیم، همچنین لازم است مطمئن باشیم که آنها را به درستی درک می‌کنیم.

به توضیحات این دو مشخصه عهد جدید، به طور مجزا نگاه خواهیم کرد. نخست، توضیح خواهیم داد که منظورمان از الهام عهد جدید چیست، و بعد، به اقتدار عهد جدید خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا الهام عهد جدید را بررسی کنیم.

الهام

در طول تاریخ، مردمی که مدعی پیروی از مسیح هستند، ادراک متفاوتی از معنای الهامی بودن عهد جدید یا «نفس خدا بودن» آن داشته‌اند. تفکر درباره این دیدگاه‌ها در امتداد یک زنجیره یا طیف، مفید است.

از یک سو، بعضی از الاهی‌دانان دیدگاهی خیالی درباره الهام دارند. به باور آنها، روح‌القدس به نویسندگان کتاب مقدسی به همان طریقی الهام بخشید که یک شاعر یا موسیقیدان سکولار ممکن است به نوشتن سوت داده شود. در نتیجه، آنها فکر می‌کنند که عهد جدید صرفا شامل تفکرات شخصی و نظرات نویسندگان انسانی خود است. آنها ادعان می‌کنند که این نویسندگان شاید حکیم بوده‌اند و شاید به اطلاعاتی دسترسی داشته‌اند که می‌توانند برای ما مفید باشند. اما این مسئله را انکار می‌کنند که عهد جدید، ثبت کاملا قابل اعتمادی از آنچه است که خدا می‌خواهد ما باور کنیم، احساس کنیم، یا انجام بدهیم.

در سوی دیگر این طیف، الاهی‌دانان به چیزی باور دارند که می‌توانیم آن را الهام مکانیکی بخوانیم. بر اساس این دیدگاه، نویسندگان کتاب مقدسی در زمان نگارش کلام خدا، نسبتا منفعل بودند. روح‌القدس اساسا کتاب مقدس را دیکته کرد، و نویسندگان انسانی به طور منفعلانه‌ای آنچه او گفت را ثبت کردند. این دیدگاه، حقیقت و اقتدار عهد جدید را تأیید می‌کند اما به انکار این موضوع می‌پردازد که نویسندگان انسانی عهد جدید، بخش مهمی از روند نگارش بودند.

در نهایت، غالب مسیحیان اوانجلیکال به چیزی باور دارند که الهام پویا خوانده شده است. این تعریف نشان می‌دهد که جداسازی کار روح خدا و کار نویسندگان انسانی کلام خدا، غیر ممکن است. بر اساس این دیدگاه، روح‌القدس نویسندگان انسانی را به نوشتن و داشت و کلمات آنها را نظارت و هدایت کرد. در نتیجه، کلمات کتاب مقدس کلمات خدا هستند. در عین حال، روح‌القدس از شخصیت، تجربه‌ها، دیدگاه‌ها، و نیات نویسندگان انسانی در حین هدایت نوشتجات آنان استفاده کرد. بنابراین، کلمات کتاب مقدس، سخنان نویسندگان انسانی آن هم هستند. این دیدگاه سوم، بهترین بازتاب از شهادت خود کلام خدا درباره ماهیت الهام است.

وقتی می‌گوییم «الهام پویا»، منظور واقعی مان این است که کلام خدا از آسمان در آغوش ما نیفتاد یا نویسندگان، نوعی آدم مکانیکی نبوده‌اند... بلکه انسان‌ها با همراهی روح‌القدس آن را نوشتند. و منظورمان این است که اگرچه پیام خداست، اما از طریق واسطه آدم‌های واقعی در شرایط و موقعیت‌های واقعی است. حالا شاید مردم کمی از این بابت عصبی بشوند. شاید آنها ارتباط مستقیم‌تری بین خدا و انسان بخواهند. اما واقعیت این است که آگاهی از این مسئله برای ما بسیار مفید است؛ چون وقتی کتاب مقدس را می‌خوانم می‌دانم که پیام خداست و یک ماهیت دوگانه دارد. کلام خداست، اما آدمی هست که تجربه من را درک می‌کند، که با شخصیت خودش در متن چیزی مشابه وضعیت من را تجربه می‌کند. و بنابراین در واقعیت، چیزی که در دست داریم یک کلام الهام شده است که تجربه انسانی را کاملا درک می‌کند. دیکته شده نیست. چند پیام نیست که هیچ ارتباطی با کشمکش‌های تجربیات انسانی نداشته باشد. و بنابراین، وقتی می‌گوییم «الهام پویا»، منظورمان دقیقا همین است؛ یعنی از طریق شخصیت‌های واقعی، و در شرایط واقعی آمده است. و به این ترتیب وقتی آنها می‌نویسند، در حال نگارش پیام خدا هستند اما با علم و تجربه و شور زندگی خودشان.

- کشیش ریک رادیپهور

برای مثال، دوباره گوش کنید که پطرس رسول در رساله دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶ چه نوشت:

پولس... با استفاده از حکمتی که خدا به او عنایت کرد... در تمام نامه‌های خود درباره این چیزها می‌نویسد. در این نامه‌ها گاهی مطالب دشواری هست که مردمان جاهل و ناپایدار از آنها تفسیر غلط می‌کنند، همان طور که با قسمت‌های دیگر کتاب مقدس هم رفتار می‌کنند و از این راه هلاکت را نصیب خود می‌سازند (دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶، ترجمه شریف).

همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، پطرس تصدیق کرد که روح خدا الهام‌بخش نامه‌های پولس بوده است. اما دقت کنید که پطرس چطور نشان داد که این الهام، همچنین پویا بود. وقتی پطرس نوشت، «در این نامه‌ها گاهی مطالب دشواری هست»، پیش‌زمینه، شخصیت، و سبک نگارش پولس را تصدیق می‌کرد. این جمله بازتابی از تحصیلات سطح بالای پولس در شریعت و تعالیم یهود بود. و پیچیدگی الاهیاتی پولس، پطرس را به چالش کشید که خودش ماهیگیری نسبتا کم‌سواد از جلیل بود.

دیدگاه پطرس نمونه‌ای به ما ارائه می‌دهد که می‌باید در برخورد با الاهیات عهد جدید از آن پیروی کنیم. همیشه باید در نظر داشته باشیم که دیدگاه‌های الاهیاتی کتاب مقدس، الهام خدا هستند. آنها حقیقت و قابل اعتماد

هستند چون از طرف خود خدا آمده‌اند. با اینحال، مهم است که ما هنگام بررسی الاهیات عهد جدید، تلاش لازم برای یادگیری درباره نویسندگان انسانی و اهداف آنها را انجام دهیم. در حقیقت، یکی از مهم‌ترین پیامدهای الهام پویا، مفهوم آن در مطالعات ما درباره الاهیات عهد جدید است. اگر ما بر دیدگاه الهام خیالی یا مکانیکی تکیه کنیم، یا اقتدار متن را نادیده می‌گیریم و یا از سهم نویسنده چشم‌پوشی می‌کنیم. اما الهام پویا ما را وادار می‌دارد تا الاهیات عهد جدید را حداقل در سه سطح بررسی کنیم. اصلی‌ترین و بارزترین سطح، خود متن است. این بیانات صریح می‌توانند چیزهای زیادی در مورد الاهیات عهد جدید به ما بیاموزند.

در سطح زیرین متن، باید آماده باشیم تا بسیاری از پیش‌فرض‌های الاهیاتی ضمنی یا نانوشته نویسندگان عهد جدید را کشف کنیم. می‌باید درباره پیش‌زمینه نویسنده و باورهای الاهیاتی او مطالعه کنیم. و باید تمام تلاش‌مان را بکنیم تا دریابیم که پیش‌زمینه و باورهای آنها چه تاثیری بر آنچه نوشته‌اند گذاشته است. در سطح سوم، فرای متن، همچنین لازم است که درباره اهداف ضمنی نویسنده تفکر کنیم. به عبارت دیگر، نویسندگان کتاب مقدس برای مخاطبان خود چه در نظر داشتند؟ گاهی نویسندگان عهد جدید از نظر تاثیراتی که امیدوار بودند بر مخاطبان‌شان داشته باشند، کاملا صریح بودند. اما اغلب اوقات، انتظار داشتند که خود مخاطب به مفاهیم متن پی ببرد.

حال، همانطور که می‌توانید تصور کنید، در نظر داشتن بیانات صریح، پیش‌فرض‌های الاهیاتی، و اهداف ضمنی در حین مطالعه عهد جدید همیشه کار آسانی نیست و غالبا مستلزم مطالعه‌ای دقیق است. اما ماهیت الهام پویا ایجاب می‌کند که هر سه سطح عهد جدید را بررسی کنیم. ما چند توضیح درباره الهام پویای عهد جدید را دیدیم. حالا بیایید توضیح بدهیم که منظور از اقتدار متون عهد جدید چیست و امروزه چطور باید به این اقتدار واکنش نشان بدهیم.

اقتدار

همهٔ اوانجلیکال‌ها به درستی باور دارند که عهد جدید بر حیات ما اقتدار دارد. اما باید مراقب باشیم تا ماهیت این اقتدار را درک کنیم. متأسفانه، بسیاری از مسیحیان خوش‌نیت فراموش می‌کنند که عهد جدید مستقیما خطاب به آنها نوشته نشده است. به بیان دیگر، عهد جدید برای ما نوشته شد، اما مستقیما برای ما نوشته نشده است. همهٔ ما می‌دانیم که عهد جدید هزاران سال پیش نوشته و به مردمی داده شد که در آن روزها زندگی می‌کردند. اما این واقعیت غالبا تاثیر چندانی در شیوه‌های تصدیق اقتدار عهد جدید ندارد. همهٔ اینها برای آن است که چیزی بسیار مهم دربارهٔ اقتدار عهد جدید بگوییم: عهد جدید دارای اقتدار کامل اما غیر مستقیم بر حیات پیروان امروزی مسیح

است. و این واقعیت یعنی ما باید همیشه آماده باشیم که تا جای ممکن، در مورد معنای متون عهد جدید برای مخاطبان اصلی آن، بیاموزیم.

وقتی پیروان مسیح برای اولین بار شروع به خواندن عهد جدید می‌کنند، معمولاً مجذوب تعالیم نسبتاً اولیه آن می‌شوند. آنها چیزهایی از قبیل «عیسی خداوند است»، «توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید»، «یکدیگر را محبت کنید»، و انبوهی از آموزه‌های اساسی دیگر را می‌خوانند. لازم نیست که آنها زیاد شرایط تاریخی، شخصیت‌ها و اهداف نویسندگان عهد جدید را در نظر بگیرند. برای تمام اهداف کاربردی، آنها می‌توانند به گونه‌ای با این آموزه‌های اساسی برخورد کنند که گویی صرفاً حقایقی مربوط به تمام زمان‌ها هستند، و ندرتاً به مفاهیم تسلیم در برابر اقتدار عهد جدید می‌پردازند. اما همچنان که بیشتر دربارهٔ الاهیات عهد جدید می‌آموزیم، بیشتر آشکار می‌شود که باید با دقت به زمینهٔ اصلی متون عهد جدید نگاه کنیم تا امروز، اقتدار آنها را به درستی تصدیق کنیم. ما باید دربارهٔ پیش‌زمینهٔ نویسنده، شرایط و نیت بیاموزیم. فقط بعد از آن است که می‌توانیم به درستی در برابر اقتدار عهد جدید بر حیات‌مان تسلیم شویم.

یکی از سوالاتی که پیش می‌آید این است که چطور می‌توانیم عهد جدید را که برای مردم دیگری نوشته شده بود، بر خودمان مقتدر بدانیم؟ پیش از هرچیز، مقتدر است به این معنا که حق یا قدرت الزام‌آوری برای پذیرش را دارد. و پیوند بین دریافت‌کنندگان اصلی نوشتجات کائنی و ما دو تا هستند، دو پیوند وجود دارد. اول اینکه نویسنده، نویسندهٔ الاهی این متن، دیروز امروز و تا ابدآباد همان است. او همانی است که ما هم با او سر و کار داریم. و دوم، به عنوان پیروان عیسای مسیح، ما به قوم عهد خدا تعلق داریم و این امور به طور خاص به برخی از اعضای ما در قرون گذشته گفته شده که شامل ما هم می‌شود؛ چون ما از طریق عیسای مسیح با آنها در حضور خدا پذیرفته شده‌ایم.

- دکتر گلن اسکورجی

شاید یک تشبیه به روشن شدن آنچه در ذهن داریم کمک کند. والدینی که بیش از یک فرزند دارند، به خوبی می‌دانند که چطور اقتدار کامل، اما معمولاً غیرمستقیم خود را بر فرزندان‌شان اعمال می‌کنند. پدر یا مادری را تصور کنید که فرزندشان را برای کار بدی سرزنش می‌کنند و به او می‌گویند، «برو بشین و به کاری که کردی فکر کن.» البته، فرزند دیگر خوشحال است که می‌تواند به بازی ادامه دهد. به هر روی، او مخاطب پدر و مادر نبوده است. اما اگر این فرزند دیگر، چند لحظه بعد از والدینش سرپیچی کند، آنها می‌توانند به او بگویند، «مگه ندیدی چه اتفاقی برای برادرت افتاد؟» در موارد اینچنینی، والدین انتظار دارند تمام فرزندان آنها از نحوهٔ رفتارشان با یک فرزند یاد بگیرند. این اقتدار غیرمستقیم به تمام فرزندان می‌آموزد که چطور باید رفتار کنند، حتی اگر تشبیه اولیه در مورد آنها نبوده باشد.

منظور ما همین است وقتی که می‌گوییم الهام پویا منجر به اقتدار کامل اما غیرمستقیم عهد جدید برای پیروان امروزی مسیح می‌شود. متون عهد جدید به طور مستقیم و با اقتدار کامل با مخاطبین اولیه صحبت می‌کنند. و باید به یاد داشته باشیم که امروز هم با اقتدار کامل صحبت می‌کنند. برای پیروان وفادار مسیح، تسلیم در برابر تعالیم عهد جدید هرگز جای سوال نیست. بنابراین، برای تعیین چگونگی واکنش به این اقتدار، باید آماده باشیم تا به هدف و شرایط اولیه نگارش یک متن خاص نگاه کنیم.

یکی از سوالاتی که دانشجویان معمولا درباره کلام خدا می‌پرسند این است که چطور پیامی که ۲۰۰۰ سال پیش به مردم داده شده است، امروزه برای ما کاربرد داشته باشد؟ و به نظرم کلیدی که اینجا وجود دارد این است که اگرچه این متون، کلام خدا خطاب به ما نیستند، در نهایت کلام خدا برای ما هستند. و یک چیزی که هر کتاب در کتاب مقدس، هر نوع ادبی، هر شرایطی به طور مشترک از آن برخوردارند این است که هر کتابی در کتاب مقدس، ماهیت خدا را آشکار می‌کند، کیستی خدا را آشکار می‌کند. آشکار می‌کنند که ما در رابطه با خدا چه کسی هستیم. و هدف خدا برای ما در دنیا را آشکار می‌کنند، اینکه چطور باید به او و نسبت به یکدیگر واکنش نشان بدهیم. بنابراین، در نهایت، چیزی که در کلام خدا می‌آموزیم، یادگیری درباره ضمیر خداست. ماهیت و هدف خدا را می‌آموزیم. و می‌توانیم بیاموزیم که اگرچه برای افراد دیگری در زمینه دیگری نوشته شدند، اگرچه فرامین مستقیمی که به آنها داده شد مستقیما درباره ما کاربرد ندارند، باز هم درباره ماهیت خدا، درباره هدف خدا، درباره اینکه کیستیم، و چطور باید در رابطه با خدا زندگی کنیم، یاد می‌گیریم. بنابراین، در نهایت، می‌گوییم کتاب مقدس به ما درباره ضمیر خدا و هدف او تعلیم می‌دهد، و از این رو ما را برای زندگی در رابطه با او و با یکدیگر راهنمایی می‌کند.

- دکتر مارک استراوس

برای مثال، عیسی در متی ۱۹: ۲۱ این دستورالعمل خاص را به یک جوان ثروتمند داد:

اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما (متی ۱۹: ۲۱).

چطور ما باید این متن را در زندگی مان به کار ببندیم؟ آیا همه ما در هر شرایطی باید مایملک خود را بفروشیم و به فقرا بدهیم؟ تنها راهی که می‌توانیم با مسئولیت‌پذیری به این پرسش پاسخ بدهیم این است که درک کنیم این جوان ثروتمند که بود و چرا عیسی اینطور به او پاسخ داد.

عنوان و نحوه برخورد این مرد با عیسی نشان می‌دهد که او پیش‌زمینه یهودی داشت و از تاثیر اقتصادی قابل توجهی بر جامعه خود برخوردار بود. همچنین به نظر می‌رسد که به رعایت آداب و رسوم یهودیان اهمیت زیادی می‌داد. پیش‌تر در همان باب، از عیسی پرسید، «ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟» عیسی پاسخ داد، «احکام را نگاه دار.» مرد جوان با افتخار اعلام کرد که این کار را انجام داده است. از همین رو، عیسی به موردی پرداخت که به نظر می‌رسید نگرانی اصلی این مرد باشد که عمدتاً ثروت و نفوذ بود. کلام خدا بارها به ما نشان می‌دهد که دارایی، به خودی خود بد نیست؛ و همچنین مانع ما برای پیروی حقیقی از مسیح نیست. اما به عنوان پیروان عیسی، قلب ما باید همیشه آماده ترک تمایلات مان برای خدمت به خدا باشد.

مثال دیگری از این موضوع در اعمال ۵: ۱-۱۱ رخ داد که حنانیا و سفیره وانمود کردند تمام پول‌شان را به کلیسا داده‌اند اما بخشی از آن را مخفیانه برای خود نگه داشتند. گناه‌شان این نبود که تمام دارایی‌شان را نبخشیدند — کسی از آنها چنین چیزی نخواست بود — بلکه گناه آنان دروغ درباره سخاوتمندی‌شان برای کسب محبوبیت عمومی بود.

پاسخ عیسی به جوان ثروتمند درباره فروش دارایی‌هایش به طور خاص مربوط به پول نبود، بلکه بیشتر درباره نگرانی آن مرد از چیزی بود که می‌بایست قربانی می‌کرد. عیسی با پرداختن به چیزی که این مرد نمی‌خواست رهاش کند، یعنی ثروتش، به اصل مطلب پرداخت.

این مثال به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که برای تسلیم به اقتدار کتاب مقدس، باید زمینه و هدف اصلی یک متن را در نظر بگیریم. فقط بعد از آن است که می‌توانیم ببینیم چطور باید فرامین عیسی را به جا آوریم.

عهد جدید، مثل عهد عتیق، فلسفه نیست. شامل قواعد فلسفی نیست، طوری که بشود آن را به راحتی به فرهنگ‌های مختلف منتقل کرد. عهد جدید مشخص است؛ تاریخی است. دلیلش بسیار واضح است. خدا خودش را هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید آشکار کرد و وقتی خدا خودش را آشکار می‌کند، نسبت به مردم مشخصی است. او خودش را به طور عمومی آشکار نمی‌کند که بعد، در نهایت، احتمالاً برای کسی مهم نباشد چون بسیار کلی بوده است. بنابراین خدا خودش را به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، داوود، اشعیا و ارمیا آشکار کرد و بعد از طریق عیسی به شاگردان، به پطرس و پولس و بقیه. و بنابراین ما افرادی مشخص در شرایطی مشخص را داریم. این یک ضرورت است. خدا آفریننده است و آفرینش در زمان و مکان وجود دارد، و بنابراین وقتی خدا خودش را آشکار می‌کند، احتیاجی ندارد که خودش را در زمان و مکان آشکار کند.

— دکتر اکارد اِشِنِبِل

تا به اینجا در درس مان به نام «چرا الاهیات عهد جدید را مطالعه کنیم؟»، دیدیم که الهام و اقتدار عهد جدید ما را ملزم می‌کند که تا جای ممکن دربارهٔ زمینهٔ تاریخی باستان یک کتاب عهد جدید بیاموزیم. حالا آماده‌ایم تا به پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌های میان زمان خودمان و زمان عهد جدید بپردازیم.

پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌ها

تصور کنید کتابی در دست دارید که ۵۰۰ سال پیش نوشته شده باشد. زبان آن حداقل کمی از آنچه شما امروز صحبت می‌کنید متفاوت خواهد بود. شاید مفاهیم به طوری توضیح داده شوند که کمی عجیب به نظر برسند. آداب و رسومی که در کتاب به آنها اشاره شده، به نظر قدیمی می‌رسند. اما در عین حال، اگر روی آن کار کنید شاید ببینید که آن کتاب چگونه به زندگی امروز شما ارتباط دارد. حتی کتابی که مدت‌ها پیش نوشته شده با دنیایی که در آن زندگی می‌کنید کاملاً متفاوت نخواهد بود. آنقدر بیگانه نخواهد بود که نتوانید آن را درک کنید. شاید کمی تلاش لازم باشد، اما نهایتاً می‌توانید بسیاری از آنچه این کتاب قدیمی می‌گوید را درک کنید.

این همان چیزی است هنگام برخورد با عهد جدید با آن روبرو می‌شویم. این متون در حدود ۲۰۰۰ سال پیش نوشته شدند. و به همین دلیل، زبان، مفاهیم، و آداب و رسوم آن از تجربهٔ ما در دنیای امروزی متفاوت هستند. اما در عین حال، اگر خودمان را به مطالعهٔ این موضوعات بسپاریم می‌توانیم ببینیم که عهد جدید هنوز از بسیاری جهات به دنیای ما مربوط می‌شود.

این حقیقت که کتاب مقدس ۲۰۰۰ سال پیش نوشته شد، وارد و مهم است چون در فرهنگ و زمانی مشخص نوشته شد. اما این حقیقت که کلام خداست، چیزی است که آن را امروز به ما مربوط می‌کند، چون خدا انتخاب کرد که با فیض و رحمت خود با ما صحبت کند. و رسالهٔ عبرانیان به ما می‌گوید که کلام خدا برنده‌تر از هر شمشیر دو دم است. و در واقع، این کلام مانند یک تیغ کوچک جراحی است. و بنابراین، کلام خدا ما را می‌شکافد، مقتدرانه بالاتر از ما می‌ایستد، خواسته‌هایی که از ما دارد را به ما دیکته می‌کند، دستوراتی می‌دهد که باید از آنها اطاعت کنیم، و حتی به ما می‌گوید که نه تنها باید اطاعت کنیم، بلکه باید این احکام را دوست بداریم؛ باید آنها را حقیقتاً دوست بداریم و آنها را به حافظه بسپاریم. و بنابراین برای ما مهم است چون کلام خداست.

- دکتر جیسون اُکس

برای دیدن اینکه چگونه مطالعهٔ دقیق می‌تواند به ما در پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌های بین خودمان و عهد جدید کمک کند، بر سه موضوع اصلی متمرکز خواهیم شد: ملاحظات دوره‌ای، ملاحظات فرهنگی، و ملاحظات

شخصی. این سه موضوع به یکدیگر وابسته هستند اما مفید است که به صورت جداگانه به آنها پردازیم. بیایید ابتدا به چند ملاحظه مهم دوره‌ای نگاه کنیم.

ملاحظات دوره‌ای

وقتی از دوره‌ای از تاریخ کتاب مقدس صحبت می‌کنیم، دوره‌ای از زمان را در ذهن داریم که با مکاشفه‌ی الهی مقرر شده و آن را از سایر دوره‌های زمانی متمایز می‌کند. البته راه‌های زیادی برای تقسیم تاریخ وجود دارد، و هیچ دوره‌ای کاملاً از دوره قبل و بعد خود متمایز نیست. ولی ما غالباً تاریخ کتاب مقدس را به عصر عهد جدید و عصر عهد عتیق تقسیم می‌کنیم. دوره عهد جدید را به عنوان زمان پیمان یا عهد جدید می‌شناسیم. این دوره با ظهور نخست مسیح آغاز شد و تا زمان بازگشت او ادامه خواهد داشت. عصر عهد جدید به لحاظ مسیحایی بودنش منحصر بفرید است. زمانی است که عیسی، فرزند داوود، از طرف خدا سلطنت می‌کند.

برای درک اینکه چرا ملاحظات دوره‌ای، مطالعه الاهیات عهد جدید را ضروری می‌کنند، به پیوستگی‌های دوره‌ای نگاه می‌کنیم که عصر عهد جدید را تشکیل می‌دهند. و بعد، به ناپیوستگی‌های دوره‌ای خواهیم پرداخت که وجود دارند. بیایید ابتدا به پیوستگی‌ها نگاه کنیم.

پیوستگی‌ها

پیوستگی‌های دوره‌ای زیادی بین زمان ما و روزگار عهد جدید وجود دارد. یکی از بهترین راه‌ها برای دیدن این پیوندها، تشخیص این است که مسیحیان امروزی همان خدایی را خدمت می‌کنند که پیروان مسیح در قرن اول خدمت کردند. الاهدانان منتظم سنتی معمولاً اشاره می‌کنند که چطور کلام خدا تعلیم می‌دهد که او تغییرناپذیر و لا یتغیر است. آنها بر صفات تغییرناپذیر، نقشه‌ازلی او و سوگندهای عهد وی در متونی مانند اعداد ۲۳: ۱۹، اشعیا ۴۶: ۱۰، و یعقوب ۱: ۱۷ تمرکز می‌کنند. و از آنجایی که ما همان خدای تغییرناپذیر را خدمت می‌کنیم، باید انتظار تشابهات زیادی بین آنچه خدا از قوم خود در عهد جدید انتظار داشت و آنچه امروز از ما انتظار دارد، داشته باشیم. به عبرانیان ۱۳: ۷-۸ گوش کنید:

مردان خود را که کلام خدا را به شما بیان کردند به خاطر دارید و انجام سیرت ایشان را ملاحظه کرده، به ایمان ایشان اقتدا نمایید. عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است (عبرانیان ۱۳: ۷-۸).

در اینجا نویسنده عبرانیان تاکید دارد که مخاطبان او، انجام سیرت راهبران‌شان را ملاحظه، و به ایمان آنها اقتدا کنند. او برای تقویت این نصیحت، تغییرناپذیری خدا را به آنها یادآوری کرد و گفت، «عیسای مسیح دیروز،

امروز، و تا ابدالآباد همان است.» مخاطبین او می‌توانستند مطمئن باشند که اگر به ایمان راهبران‌شان در گذشته اقتدا کنند، همان نتایج را در زمان خودشان می‌دیدند چون عیسی تغییرناپذیر است.

درست مانند مخاطبین عهد جدید، ما هم در زمان پس از مرگ مسیح زندگی می‌کنیم که آخرین کفار برای گناه را پرداخت. درست مانند ایمانداران قرن اول، ما هم در رستاخیز مسیح با او قیام کرده‌ایم. ما در عصری زندگی می‌کنیم که روح خدا بسیار بیشتر از آنچه در عهد عتیق رخ داد، نازل شده است. ما اعضای همان بدن مسیح هستیم و با همان ماموریت گسترش تعالیم مسیح به تمام دنیا. علیرغم فاصله تاریخی‌ای که ما را از روزگار عهد جدید جدا می‌کند، آفریننده تغییرناپذیر این نوع پیوستگی‌های دوره‌ای را مقرر کرد تا ما بتوانیم عهد جدید را امروز به کار ببریم.

حالا که به برخی از ملاحظات دوره‌ای و پیوستگی‌هایی که بین روزگار ما و زمان عهد جدید وجود دارند نگاه کردیم، بیایید به بعضی از ناپیوستگی‌های درون دوران عهد جدید نگاه کنیم که ما را ملزم می‌کنند تا خود را به مطالعه دقیق الاهیات عهد جدید بسپاریم.

ناپیوستگی‌ها

مطمئناً، ناپیوستگی‌های دوره‌ای بین زمان عهد جدید و روزگار ما به اندازه وقایع دوره‌ای بین عهد عتیق و زمان ما قابل توجه نیستند. با اینحال، بعضی تفاوت‌های چشمگیر وجود دارند که هرگاه به مطالعه عهد جدید می‌پردازیم، باید آنها را در ذهن داشته باشیم.

پولس رسول در افسسیان ۲: ۲۰ به یکی از اساسی‌ترین ناپیوستگی‌های دوره‌ای اشاره کرد و گفت:

شما بر شالوده‌ای که به دست رسولان و انبیا نهاده شد بنا شده‌اید و مسیح عیسی سنگ اصلی آن است (افسسیان ۲: ۲۰).

در اینجا، پولس تمایزی بین رسولان و انبیای شالوده‌کلیسا، با خود مسیح عیسی و کلیسا در طول تاریخ قائل شد.

همانطور که پیش‌تر در این درس گفتیم، در حدود ۲۰۰۰ سال است که کلیسا اقتدار بنیادین مسیح و رسولان و انبیایش بر ما را تصدیق کرده است. اما باید همچنین تشخیص بدهیم که آنها دیگر به صورت فیزیکی با ما نیستند. این واقعیت، تعدادی ناپیوستگی بین روزگار عهد جدید و زندگی امروزی ما ایجاد می‌کند.

نخست، عهد جدید حاوی مثال‌های زیادی از معجزات اعتباربخش است که توسط عیسی و رسولان و انبیای او انجام شد. توان انجام چنین معجزاتی، عیسی و رسولانش را به عنوان مقامات و راهبران بنیادین کلیسا

تمایز می‌کند. خدا همچنان به شکلی ماورای طبیعی در کلیسای امروز عمل می‌کند، اما ما به دنبال معجزات برای تشخیص اقتدار راهبران جدید کلیسا نیستیم. در مقابل، امروز اقتدار در کلیسا بر اساس معیارهای عهد جدید مقرر شده است. و به همین دلیل، باید مطمئن باشیم که مطالعه‌ای دقیق دربارهٔ چگونگی به کارگیری این معیارها در روزگار خودمان انجام می‌دهیم.

دوم، در زمان عهد جدید می‌شد مستقیماً به رسولان و انبیای مسیح رجوع کرد. مسیحیان می‌توانستند برای راهنمایی و پاسخ به پرسش‌های‌شان، به رسولان و انبیا مراجعه کنند. برای مثال، ما این را در پاسخ پولس به مراجعات پیروان مسیح در کتاب‌هایی مانند اول و دوم قرنتیان و فلیمون می‌بینیم. علاوه بر این، در روزگار عهد جدید می‌شد دربارهٔ مسائل کلیسا با تعاملات رهبران بنیادین کلیسا تصمیم‌گیری شود؛ مانند شورای اورشلیم در باب ۱۵ اعمال. اما در زمان ما، این مسئولان بنیادین در میان‌مان زندگی نمی‌کنند. بنابراین، ما باید از مطالعهٔ خودمان دربارهٔ عهد جدید بیاموزیم و نحوهٔ به کارگیری آن در زمانهٔ کنونی را بررسی کنیم.

سوم، هنگام مطالعهٔ الاهیات عهد جدید غالباً با این واقعیت روبرو می‌شویم که نویسندگان عهد جدید تأکیدات الهیاتی‌ای داشته‌اند که از اهمیت ویژه‌ای برای دورهٔ تاسیس کلیسا برخوردار بوده‌اند، اما ممکن است امروز نگرانی ما نباشند.

عهد جدید زمانی نوشته شد که قوم خدا در حال انتقال از ایمان عهد عتیق به عهد جدید بودند. به همین دلیل، بسیاری از مسائلی که در عهد جدید به آنها اشاره شده به چگونگی ارتباط پیروان مسیح با رسوم عهد عتیق و سنت‌های یهودی می‌پردازند. آیا مردان مسیحی باید ختنه می‌شدند؟ آیا مجبور بودند قوانین غذایی یهودی را به جا بیاورند؟ چگونه مسیحیان می‌توانستند ادامهٔ قربانی حیوانات در معبد را پس از کفارهٔ نهایی مسیح درک کنند؟ چطور باید آیین‌ها و جشن‌های یهودی در حیات کلیسا گنجانده می‌شدند؟ البته، بسیاری از این مشکلات بنیادین الاهیاتی، مدت‌ها پیش حل شدند. و وقتی دورهٔ پایه‌گذاری عهد جدید پایان یافت، کلیسای مسیحی با چالش‌های دیگری روبرو شد.

وقتی عهد جدید را مطالعه می‌کنیم، غلبه بر ناپیوستگی‌های دوره‌ای می‌تواند دشوار باشد. اما اگر بخواهیم پاسخ‌های عهد جدید به این موضوعات بحث برانگیز الاهیاتی باستانی را امروز به کار ببریم، باید سخت بکوشیم و این متون را با دقت زیادی مطالعه کنیم.

وقتی کسی کتاب مقدس را می‌خواند باید همیشه آن را در زمینهٔ اصلی خود بگذارد. وقتی چنین کاری می‌کنیم، گاهی برخی از مشکلاتی که آنها درگیرش بودند را تشخیص نمی‌دهیم چون شباهتی به مشکلات امروزی ما ندارند. بنابراین، برای مثال، در عهد عتیق، تمام مسائل عهدی که به اسرائیل مربوط بودند — زندگی تحت عهد قدیم، و بعد مسیحی که می‌آمد، تحقق آن — مسائل الاهیاتی اصلی‌ای هستند که کلیسا می‌بایست با آنها درگیر می‌شد.

رابطه مطالبات عهد قدیم چیست؟ چگونه در کلیسا تحقق پیدا می‌کنند؟ رابطه بین یهودیان و غیریهودیان چیست؟ و حتی با گفتن اینها، اغلب درباره این دسته‌بندی‌ها فکر نمی‌کنیم و بنابراین باید ابتدا با بازگشت به متن کتاب مقدس تلاش کنیم تا آن را تحت شرایط خودش درک کنیم؛ در زمینه خودش، در بیان خودش، درک کنیم که عهدها چطور عمل می‌کنند، چطور در مسیح محقق شدند، و بعد به این فکر کنیم که چطور امروز درباره ما کاربرد دارند.

- دکتر استفان ولوم

حالا که به پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌های درون ملاحظات دوره‌ای نگاه کردیم، باید به کنکاشی در چند ملاحظه فرهنگی بپردازیم.

ملاحظات فرهنگی

وقتی از فرهنگ صحبت می‌کنیم، الگوهای جوامع انسانی را در ذهن داریم که بر اساس مفاهیم، رفتارها و عواطف مشترک ایجاد می‌شوند. فرهنگ در چیزهایی مثل هنر، مد، تکنولوژی، ساختارهای سیاسی، و سایر قراردادهای تعاملات روزانه انسان ابراز می‌شود. و وقتی با الاهیات عهد جدید سر و کار داریم، باید به این ابعاد فرهنگی زندگی، هم در قرن اول و هم در روزگار خودمان، توجه کنیم.

هرگاه که ملاحظات فرهنگی را در نظر می‌گیریم، می‌باید هم به پیوستگی‌ها و هم ناپیوستگی‌های فرهنگی نگاه کنیم. گاهی این مسئله آسان نیست. بنابراین، باید آماده باشیم تا دقیق تفکر کنیم. بیایید ابتدا ببینیم این موضوع چطور درباره پیوستگی‌های فرهنگی صدق می‌کند.

پیوستگی‌ها

همه ما می‌دانیم که هر فرهنگ متفاوت است و این تفاوت‌ها با فاصله زمانی و جغرافیایی بیشتر هم می‌شوند. اما این تفاوت‌ها را هرچقدر هم که باشند، تمام فرهنگ‌های انسانی در همین جهان یکسان وجود دارند. این حقیقت، حتی علیرغم زمان و جغرافیا، پیوستگی‌های فرهنگی بسیاری ایجاد می‌کند. هر فرهنگی روی زمین با ذات انسان و محیط فیزیکی و طبیعی شکل گرفته است. و تا آنجا که این عوامل مشابه هستند، الگوهای فرهنگی نیز مشابه هستند. همانطور که جامعه ۱: ۹ بیان می‌کند:

آنچه بوده است همان است که خواهد بود، و آنچه شده است همان است که خواهد شد و زیر آفتاب هیچ چیز تازه نیست (جامعه ۱: ۹).

از این منظر، نباید جای تعجب داشته باشد که وقتی به زیر این تفاوت‌های سطحی نگاه کنیم، خصوصیات مشابه فرهنگی بسیاری بین زمان خودمان و روزگار عهد جدید پیدا می‌کنیم. ما همچنان مانند مردم روزگار عهد جدید، لباس می‌پوشیم، از هنر لذت می‌بریم، خانواده تشکیل می‌دهیم، دولت تشکیل می‌دهیم، و جرم را مجازات می‌کنیم. به همین دلیل، اغلب خیلی ساده است که بین فرهنگ قرن اول و زمان خودمان شباهاتی ببینیم. برای نمونه، به صحنهٔ صحبت عیسی با زن سامری در یوحنا ۴: ۶-۷ نگاه کنید:

قریب به ساعت ششم بود که زنی سامری به جهت آب کشیدن آمد. عیسی بدو گفت: «جرعه‌ای آب به من بنوشان» (یوحنا ۴: ۶-۷).

بسیاری از ما توضیحاتی دربارهٔ ابعاد فرهنگی این صحنه شنیده‌ایم. عیسی حتی با اینکه یهودیان روزگار او سامریان را «ناپاک» می‌دانستند و از معاشرت با آنها خودداری می‌کردند، با زنی سامری ملاقات و صحبت کرد. حال، ما به عنوان خوانندگان امروزی هیچ احساسی نسبت به سامریان نداریم. و حتی به پاکی یا ناپاکی افراد از نظر تشریفات مذهبی فکر نمی‌کنیم. اما با این وجود، مشاهدهٔ تقارن‌های چشمگیر بین این صحنهٔ کتاب مقدسی و تعصبات اجتماعی در روزگار خودمان، دشوار نیست. متأسفانه، مردم امروزی از این نظر تفاوت چندانی با مردم قرن اول ندارند. و از آنجا که ما در همان دنیای مردم روزگار عهد جدید زندگی می‌کنیم، غالباً می‌توانیم علیرغم تفاوت‌ها، با سهولت تجارب فرهنگی موازی‌ای با امروزی‌مان ترسیم کنیم. در عین حال که مهم است تشخیص بدهیم ملاحظات فرهنگی شامل پیوستگی‌های فرهنگی بین ما و عهد جدید می‌شود، باید از تاثیر ناپیوستگی‌های فرهنگی بر درک‌مان از الاهیات عهد جدید نیز آگاه باشیم.

ناپیوستگی‌ها

درک ما از کتاب مقدس این است که کلام خداست، و اینکه نویسندهٔ نهایی کتاب مقدس، روح خداست. ما اغلب اوقات در مورد کتاب مقدس با اصطلاحاتی آنچنان عالی صحبت می‌کنیم که این سوال پیش می‌آید که چرا به چیزی فراتر از کتاب مقدس احتیاج داریم؟ چرا لازم است که فرهنگ و پیش‌زمینه و زبان آن را مطالعه کنیم؟ اگر ما خود کتاب مقدس را داریم و کلام خداست، آیا همین کافی نیست؟ ما می‌دانیم که روح‌القدس نویسندهٔ نهایی است، اما روح‌القدس همچنین از طریق نویسندگان انسانی عمل کرد و کتاب مقدس را در زمینه‌ای تاریخی به ما داد. ما کتاب مقدسی در مقابل خود نداریم که فقط فهرستی از حقایق گزاره‌ای باشد. ما کتاب مقدسی نداریم که یک کتاب قوانین باشد و قانون پشت قانون در آن نوشته شده باشد، یا فهرستی از باید‌ها و نبایدها باشد. کتاب مقدسی نداریم که فقط سخنان حکمت‌آمیز باشد — یک پند، یک سخن قصار، یک مثل، یکی پس از دیگری — و ما به نوعی،

حقیقت را از آن استنباط کنیم. اگرچه تمام این عناصر در کتاب مقدس هستند، کتاب مقدس مکاشفه‌ای از خداست؛ مکاشفه‌ای از خدا و کارهای او در تاریخ. ما گاهی درک‌مان از کتاب مقدس را اینطور خلاصه می‌کنیم که می‌گوییم کلام خداست که در کلام نویسندگان انسانی در تاریخ به ما داده شده است. و آن بخش «در تاریخ» است که بسیار برای ما مهم هست. اگر ما زمینه فرهنگی‌ای که کتاب مقدس در آن نوشته شده را درک نکنیم، اگر زبان آن را ندانیم، به آسانی می‌توان از کلام خدا سوءبرداشت کرد.

- دکتر ادوارد م. کیزریان

در حقیقت، بسیاری از دیدگاه‌های فرهنگی در زمان ما و روزگار کتاب مقدس، تفاوت زیادی دارند. و ما باید بسیار سخت کار کنیم تا از موانعی که آنها در تفسیر و کاربرد الاهیات عهد جدید می‌کنند، عبور کنیم. یکی از واضح‌ترین مثال‌ها از این نوع ناپیوستگی فرهنگی، زبانی است که از آن برای نگارش عهد جدید استفاده شد. نسبتاً تعداد کمی از پیروان مسیح امروزه می‌توانند عهد جدید را در زبان یونانی اصلی آن بخوانند. فرای این، باید قراردادهای ادبی قرن اول و تاثیر نسخه‌های عبری و یونانی عهد عتیق که توسط نویسندگان عهد جدید استفاده شدند را در نظر بگیریم. ما همچنین باید بر نادانی خود نسبت به امور سیاسی، اقتصادی و رسومات گسترده‌تر اجتماعی در آن زمان، فائق بیاییم. تنها وقتی که این کارها را انجام دهیم خواهیم توانست با بسیاری از ناپیوستگی‌های فرهنگی میان روزگار عهد جدید و خودمان کنار بیاییم.

یک جمله عالی در لندن مصطلح است که می‌گوید «حواس‌تان به فاصله باشد.» وقتی این را می‌شنوید که می‌خواهید قدم‌تان را از مترو روی سکو بگذارید و آنجا فاصله‌ای وجود دارد و مدام این هشدار وجود دارد که «حواس‌تان به فاصله باشد، حواس‌تان به فاصله باشد.» و این ایده مهمی است که باید در نظر بگیریم چرا درک زمینه فرهنگی عهد جدید در زمان تفسیر، تعلیم، و موعظه اهمیت دارد؛ ما باید «حواس‌مان به فاصله باشد.» فاصله‌ای بین الان و آن زمان وجود دارد. یک فاصله در زبانی وجود دارد که مورد استفاده قرار گرفت. فاصله‌ای در چگونگی شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی وجود دارد. فاصله‌ای در نحوه درک خویشاوندی‌ها وجود دارد. تقریباً در تمام جوانب زندگی ۲۰۰۰ سال پیش و امروز فاصله‌ای وجود دارد. و اگر حواس‌مان به فاصله نباشد، ناچاراً این فاصله را با فرهنگ خودمان و با درک خودمان از مسایل پر می‌کنیم. به جای گوش دادن به متن که ببینیم چطور متن الان در زندگی ما کاربرد دارد، در حقیقت معکوس آن را انجام می‌دهیم. زندگی خودمان را به روشی برای درک متن تبدیل می‌کنیم. به جای اینکه متن با ما صحبت کند، ما با آن صحبت می‌کنیم. و بنابراین، بعضی‌ها چیزها را نخواهیم دید... اگر باور داریم که پیام اولیه، الهام‌شده بوده است، پس باید تلاش کنیم که حواس‌مان به فاصله باشد تا بتوانیم به کلام خدا گوش کنیم، نه اینکه ملاحظات اجتماعی خودمان را به آن تحمیل کنیم.

- دکتر مارک جنینگز

با در نظر داشتن پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌های این ملاحظات دوره‌ای و فرهنگی، بیایید ببینیم چرا ملاحظات شخصی هم ما را به مطالعه دقیق الاهیات عهد جدید ملزم می‌کنند.

ملاحظات شخصی

همه ما بنابر تجربه مشترک می‌دانیم که انسان‌ها کاملاً یکسان نیستند. حتی افرادی که در یک فرهنگ زندگی می‌کنند، متفاوت هستند. اغلب وقتی افرادی از سرزمین‌های دوردست را ملاقات می‌کنیم یا درباره مردم زمان‌های گذشته می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که اختلافات روحی، عاطفی، و معنوی می‌تواند بسیار باشد. همه ما دارای تجربیات، نقاط قوت، ترس‌ها، استعدادها، و تمایلات معنوی متفاوتی هستیم؛ فهرست تفاوت‌های مردم بسیار طولانی است. بنابراین، وقتی الاهیات عهد جدید را مطالعه می‌کنیم، باید به شباهت‌ها و تفاوت‌های بین مردم زمان خودمان و روزگار عهد جدید توجه لازم را داشته باشیم.

ما به ملاحظات شخصی در همان مسیر مباحث قبلی مان نگاه خواهیم کرد. نخست، پیوستگی‌های فردی بین مردم امروزی و مردم عهد جدید چیستند؟ و دوم، ناپیوستگی‌های بین آنان چیستند؟ بیایید با پیوستگی‌ها شروع کنیم.

پیوستگی‌ها

از یک دیدگاه کتاب‌مقدسی، به قدر کافی بین مردم شباهت وجود دارد که اطمینان داشته باشیم می‌توانیم آن طور که باید، الاهیات عهد جدید را بیاموزیم و به کار بگیریم. در واقع کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که همه انسان‌ها در روزگار عهد جدید و زمان حاضر، یک نوع مردم هستند. نویسندگان، مخاطبان و دیگر انسان‌های عهد جدید، تصویر خدا بودند؛ درست همانطور که ما امروز هستیم. آنها مثل ما منطقی و استدلال‌گر بودند. آنها هم مثل ما با شادی و غم واکنش نشان می‌دادند. و مثل ما، آنها هم تصویر سقوط کرده خدا بودند که به نجات در مسیح نیاز داشتند. آنها هم با گناه در کشمکش بودند و متحمل درد و سختی در این دنیای سقوط کرده شدند. و آنانی که در روزگار عهد جدید به مسیح ایمان آوردند، فیض بخشش خدا و برکات روح‌القدس را در زندگی شخصی‌شان تجربه کردند؛ درست همانطور که ما امروز تجربه می‌کنیم. به خاطر اینها و بسیاری پیوستگی‌های شخصی دیگر، وقتی عهد جدید را می‌خوانیم به راحتی می‌توانیم با مردم آن زمان ارتباط برقرار کنیم.

برای مثال، پولس در رومیان ۹: ۲-۳ احساسات عمیق خود برای هموعان یهودی‌اش را اینطور بیان کرد:

در قلب خود دردی جانکاه و اندوهی همیشگی دارم. زیرا آرزو می‌داشتیم خود در راه برادرانم، یعنی آنان که هم‌نژاد منند، ملعون شوم و از مسیح محروم گردم (رومیان ۹: ۲-۳، هزاره نو).

این آیات، تجربه شخصی و عاطفی پولس را آشکار می‌کنند. و شخصیت انسانی از زمان پولس تا به امروز آنقدر تغییر نکرده است که نتوانیم با احساسات او هم‌ذات‌پنداری کنیم. پیوستگی‌های شخصی از این دست، معمولاً درک آنچه نویسندگان، مخاطبان، و شخصیت‌های عهد جدید تجربه کردند را نسبتاً برای ما آسان می‌کند و می‌توانیم تجربیات آنها را در زمان خودمان به کار بگیریم.

همزمان، در حالی که ملاحظات شخصی در عهد جدید شامل تعدادی پیوستگی‌های فردی می‌شود، ناپیوستگی‌های فردی بسیاری هم وجود دارند که درک و به‌کارگیری الاهیات عهد جدید را برای ما دشوار می‌کنند.

ناپیوستگی‌ها

عهد جدید غالباً به دسته خاصی از مردم می‌پردازد که آنچنان با امروز متفاوتند که گاهی برقراری پیوندهای صحیح را برای ما دشوار می‌کنند. گرایش‌های شخصی، عاطفی، و حتی مسائلی مانند سن و جنسیت می‌توانند موانعی ایجاد کنند که باید با مطالعه دقیق برطرف شوند.

خدا به تمام مردم در همه انواع مختلف موقعیت‌ها و پیش‌زمینه‌ها اهمیت می‌دهد. ما می‌توانیم این را ببینیم که واقعا به چه تعداد پیش‌زمینه‌های مختلف و فرهنگ‌های مختلف در سرتاسر کتاب مقدس، در بخش‌های مختلف آن اشاره شده است. و به همین طریق، وقتی متوجه بشویم که چطور خدا با آن مردم در موقعیت خودشان صحبت کرد، می‌توانیم از آنها به عنوان نمونه‌ها بیاموزیم و باید امروزه آنها را در موقعیت‌های مختلف خودمان دوباره به کار ببریم. خدا اینها را از راه‌های مادی برای موقعیت‌های بخصوص بخشید و انتظار دارد که آنها را به شکل مادی و در موقعیت‌های بخصوص به کار بگیریم. اما مهم است که اصول درستی را که در متن وجود دارند به دست بیاوریم تا بتوانیم آنها را به از راه‌های صحیح دوباره به کار ببندیم.

- دکتر کریگ کینر

برای مثال، پولس در افسسیان ۶: ۵، ۹ به دو دسته خاصی از مردم دستوراتی داد. او گفت:

ای غلامان، آقایان بشری خود را چون مسیح با ترس و لرز، با ساده دلی اطاعت کنید... و ای آقایان، با ایشان به همین نسق رفتار نمایید (افسسیان ۶: ۵، ۹).

وقتی اکثر ما این کلمات را می‌خوانیم، یک آگاهی سطحی از آنچه پولس به بردگان و اربابان در کلیسای افسس گفت به دست می‌آوریم. اما آگاهی ما از کمکش‌هایی که این برادران و خواهران در مسیح با آنها روبرو بودند به شدت محدود است چون اکثریت قریب به اتفاق ما هرگز برده یا ارباب نبوده‌ایم. اینها افرادی بودند بسیار متفاوت از آنچه ما امروز هستیم. و به همین دلیل، ما باید سخت تلاش کنیم تا بیاموزیم این افراد چه تجربه‌ای در قرن اول و در اماکنی مانند افسس داشتند. فقط در این صورت است که می‌توانیم تقارنی مناسب برای امروزمان بیابیم و دیدگاه‌های الاهیاتی پولس در این متن را درک کنیم.

هر وقت که سعی می‌کنیم بفهمیم چطور عهد جدید را به کار ببندیم، واژه کلیدی‌مان همیشه باید «زمینه» باشد. با اینکه شاید ما خیلی دوست داشته باشیم کاربرد کتاب مقدس خیلی شسته و رفته و سر راست باشد، اما حتی در همان زمان عهد جدید هم اینطور نبود. من همیشه مسحور این حقیقت بوده‌ام که پولس یک جا به تیموتائوس می‌گوید، «بله تیموتائوس، تو باید به خاطر انجیل ختنه بشوی»، و در جای دیگری به یکی دیگر از همراهانش می‌گوید، «نه، به خاطر انجیل، تو نباید ختنه بشوی.» بنابراین می‌توانیم بگوییم یک عمل یکسان بنا بر زمینه فرهنگی می‌توانست درست یا اشتباه باشد. یک جا اینطور بود که، «تیموتائوس تو باید ختنه بشوی تا ما بتوانیم به یهودیان خدمت کنیم»، و این برای خاطر انجیل بود. و در جای دیگر، فکر می‌کنم تیتوس بود، به او می‌گوید، «تو نباید ختنه بشوی چون مردمی که می‌خواهند تو ختنه بشوی، فکر می‌کنند این چیزی است که برای نجات لازم هست، و این مخالف انجیل خواهد بود.» بنابراین، واقعا لازم است که بفهمیم موقعیت فرهنگی الان ما چیست و چطور اصول کتاب مقدسی درباره آن کاربرد دارند. و این یعنی ما باید فرهنگ را به همان اندازه درک کنیم که کتاب مقدس را می‌فهمیم.

- دکتر دن لیبسیچ

سالم و بیمار، معلول، قوی، ضعیف، فقیر، غنی، پیر و جوان، پدران، مادران، خواهران و برادران در زمان عهد جدید می‌بایست الاهیات عهد جدید را طوری می‌پذیرفتند که متناسب با زمان‌شان بود. کم و بیش، اینها و عوامل مشابه شخصی همیشه بر نحوه به‌کارگیری الاهیات عهد جدید در زمانه ما هم تاثیرگذار هستند. و این ملاحظات شخصی همه ما را مجبور می‌کنند تا عهد جدید را با دقت مطالعه کنیم.

نتیجه‌گیری

در این درس دیدیم که چرا پیروان مسیح می‌باید الاهیات عهد جدید را مطالعه کنند. به الهام و اقتدار عهد جدید نگاه کردیم و دیدیم که باید خودمان را به مطالعه آن بسپاریم چون خدا آن را الهام کرده است. همچنین

بررسی کردیم که چطور پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌های دوره‌ای، فرهنگی و شخصی بین روزگار عهد جدید و زمان حاضر، ما را ملزم می‌کنند که خود را وقف درک و کاربرد الاهیات عهد جدید کنیم.

عهد جدید از آن دسته کتاب‌ها است که بیش از یک نگاه معمولی می‌طلبند. از آنجا که کلام خدا برای کلیسای اوست، ما باید آماده باشیم که تا جای ممکن برای درک صحیح آن بکوشیم. در درس‌های بعدی به چندین روش مهم برای دستیابی به این هدف خواهیم پرداخت. و در انجام آن، بسیاری از فواید حاصل از تفکر دقیق در این بخش از کتاب مقدس را خواهیم دید. و بارها و بارها خواهیم دید که چرا باید خودمان را وقف مطالعه الاهیات عهد جدید کنیم.